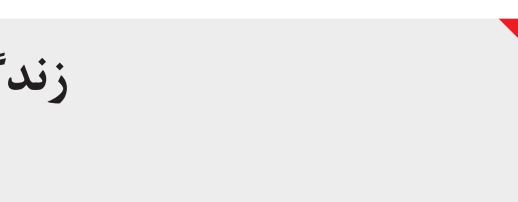




آتابل سربرنی ترجمه: کاوه شکیب

دو اصطلاح مهم سنت لیبرال، «مردم» و «عموم»، زیر فشار فراوانند. هم قانون‌اساسی ایالات‌متحده و هم قانون‌اساسی هند هردو ایده «ما در مقام مردم» را پاس می‌دارند، ولی همان‌طور که ریچارد سینت زمانی گفت واژه «ما» واژه‌ای دوپهلو است که به راحتی خود را در دعاوی ناظر به هویت جا می‌کند. اتکا به تعریفی که مردم از خویش به دست می‌دهند موجب غفلت از این مساله می‌شود که «مردم» چگونه شکل می‌گیرند و دیگران چگونه این مردم را به رسمیت می‌شناسند. نظریه‌پردازان متعددی، از جمله اتین بالیبار، هومی بابا و اریک هابزبایوم درباره فرآیند روایی لازم برای شکل‌گیری ملت، با مجموعه‌اسطوره‌ها و شمایل‌های فرهنگی و پیش‌تاریخ به اصطلاح حاضر-آماده آن، قلم‌ها زده‌اند. معمولا «ما» روبه‌پس و با رجوع به گذشته نوشته می‌شود نه روبه‌جلو و از منظر آینده، یعنی از طریق اعاده زمان تاریخی و ادعای قسمی هویت ذاتی که در عمل همواره باید از نو ابداع شود. در چنین فرآیندهایی، گاهی تفاوت‌های حداقلی مبنایی می‌شوند برای مبارزه بر سر شکل‌گیری ملت، درحالی‌که تفاوت‌های دیگر به مواضعی اقلیتی در درون یک کلیت بزرگ‌تر بدل می‌شوند.

واحد سیاسی ملت-دولت از دو جهت به چالش کشیده شده است؛ از بیرون و از درون. از بیرون به موجب قلمروژدایی از سیاست، بین‌المللی‌شدن اقتصادها، فراملی‌شدن قلمرو فرهنگ و دیگر اشکال عمل و علقه که حاکمیت را در ه‌ذره تحلیل می‌برند. و از درون، که چه بسا مهم‌تر هم باشد، به موجب اهمیت‌یافتن فراینده اقلیت‌ها و فرهنگ‌های محلی با آن همه ارزش‌ها، باورها و روال‌های عملی متنوع. در بحث‌های رسانه‌ای بریتانیا در مورد رفراendum اخیر اسکاتلند، درست همان زمان که به روایتی قومیت‌محور از «ما» استناد می‌کردند و مثلاً در معرفی گوبیندک ناتلونیزون می‌گفتند فلانی پدربزگش اسکاتلندی است یا جدش انگلیسی است، بارها و بارها از روایتی غیرقومی از ملیت دفاع می‌کردند. تقریباً هیچ‌گاه این مساله طرح نشد که ما ملتی هستیم چندفرهنگی با مردمان متنوع. این تا حدی حاکمیت دارد از گفتار خصومت‌آمیز بر ضدمهاجران که هم حزب استقلال بریتانیا (یوکیپ) و هم بعضی از مطبوعات جنجالی با طرافت به کار می‌گیرند و اینک حتی حزب کارگر را هم وسوسه می‌کند. ولی از طرف دیگر حکایت دارد از عجز لیبرالیسم در تصویرکردن صورتی متفاوت از واحد



اندی بنت در «فرهنگ و زندگی روزمره» با ذکر تاریخچه‌ای خواندنی از نبرد نظریه‌های گوناگون اجتماعی و با یادآوری دو دریافت عمده از دورکیم برای آفریدن نظم اجتماعی و مارکس برای فروشاندن تضاد طبقاتی، نشان می‌دهد دیگر نمی‌توان زندگی روزمره را به صورت کلیتی متجانس و همگون توصیف کرد بلکه برعکس، باید آن را حیطه‌ای بسیار کثرت‌گرا و پرمنازه دانست. «فضاهای و مکان‌های زندگی روزمره که پیش از این به واسطه وجود اجتماعات قومی متجانس و تقریباً ایستا به وضوح مرزبندی می‌شدند، اکنون بسیار کثرت‌گرایانه و پرمنازه شده‌اند و از طریق فرآیندهای بازجاییی و آمیختگی فرهنگی پیوسته تعریف و بازتعریف می‌شوند. شاید این مطلب هیچ‌جا به اندازه شهرها و مناطق پرتراکم شهری مشهود نباشد. بنابراین هم فرهنگ و هم زندگی روزمره مفاهیمی بسیار پیچیده و چندپارهای‌اند که بیانگر تک‌معناهای ذات‌گرایانه‌ای نیستند، بلکه حاکی از طیف وسیع معنای‌ها، تمایز یافته و مناقشه‌آمیزی هستند که معرفت‌ها و احساسات رقیب در یک جامعه بسیار ناهمگون، سنگ بنای آنهاست. «فرهنگ و زندگی روزمره» مروری است بر آن دسته از مباحث نظری اصلی که رهیافت‌های مطالعه و تفسیر فرهنگ و زندگی روزمره در جامعه معاصر را شکل داده‌اند. اندی بنت در فصل اول کتاب نشان می‌دهد، نخستین برداشت‌ها درباره رسانه‌ها و صنایع فرهنگی سرمایه‌داری پسین، دیدگاه کاملاً منفی و بدبینانه‌ای بوده است. تفک‌های فرهنگی توده‌ای که با مکتب فرانکفورت آغاز می‌شود، حاکی از این است که رشد و گسترش این صنایع صرفاً به درونی‌ترشدن شکل‌های نظارت در نظام سرمایه‌داری می‌انجامد- فریب توده‌ها و استثمار طبقات کارگری زیر نقاب تفریحات و سرگرمی‌های عامه‌پسند پنهان می‌شود. درحالی‌که مکتب فرانکفورت معتقد بود لذت‌های سست و بی‌مایه فرهنگ عامه‌پسند موجب میل به ارضای فوری و فارغ از اندیشه می‌شود، اما نظرگاه علمی تازه‌ای کم‌کم شکل گرفت. این پروژه، که آن را مطالعات فرهنگی می‌نامند، مبنایی برای تفسیر دیگری از تأثیر فرهنگ توده‌ای بر جامعه ارایه می‌داد. بنت بر این باور است «فرهنگ بورژوایی» در نتیجه سازش و مصالحه با فرهنگ‌های طبقاتی مخالف، دیگر نمی‌تواند سرپایا بورژوایی باشد.

در عوض، به ترکیب پویا و در حال تحولی از عناصر فرهنگی و ایدئولوژیک برگرفته از جایگاه‌های طبقاتی متفاوت تبدیل می‌شود که به‌صورت گذرا و در محدوده شرایط تاریخی معینی با ارزش‌ها و منافع و اهداف بورژوازی پیوندهایی دارند. به‌همین دلیل، مسلماً با اعضای طبقات فرودست نیز هرگز رویارو قرار نمی‌گیرند که شکل طبقاتی ذات‌گرایانه یا خالصی داشته باشد. ایدئولوژی بورژوایی فقط به‌صورت‌های سازشکارانه‌ای دیده می‌شود که به منظور کنارآمدن با ارزش‌های طبقاتی معارض ناچار است به آن تن دهد و درست در همین‌جاست که فرهنگ عامه‌پسند می‌تواند عرصه را برای مقاومت دریاابد. در فصل دوم بنت تأثیر و نفوذ نظریه پست‌مدرنیستی بر تفسیرهای فرهنگ و زندگی روزمره در جامعه معاصر را بررسی می‌کند؛ اگر در قرائت‌های ملهم از ساخت‌گرایی، سوزه‌های فردی «اسیر» نظام اجتماعی‌ای تلقی می‌شوند که هیچ‌گونه نظارت یا نفوذی بر آن ندارند، در مقابل، در نظریه پست‌مدرنیستی این گرایش وجود داشته که تصویر کاملاً متضادی ارایه شود. از همین‌رو، پست‌مدرنیسم با دست‌کشیدن از روایت‌های مدرنیستی، کششگر اجتماعی را از مرکز صحنه خارج می‌کند و در نتیجه او،

## «ما»یی که نولیرالیسم از آن دم می‌زند دقیقاً کیست؟

یا چرا پاسپورت ملاک نهایی هویت فردی است؟



عکس: نقیسه فتح‌الرحمانه

سیاسی، یعنی «مردمی» ورای ملت-دولت‌قومیت‌محور. آرجون آپادورای [انسان‌شناس هندی] استدلال می‌کند که طرح و برنامه دولت‌ها شکل‌دادن ملت است و طرح و برنامه ملت‌ها برپاکردن دولت. برخی ملت‌ها/مردمانی که تاریخی طولانی دارند هنوز درگیر مبارزه برای تشکیل یک دولت رسمی هستند، درحالی‌که برخی دولت‌ها باید سخت در تلاش باشند تا حسی از ملیت را در اتباع خویش ایجاد کنند (مثلاً قطر). بر صحنه بین‌الملل مبارزه‌ای سخت برای ساختن و بازساختن واحدهای سیاسی قومیت‌محور در جریان است. به واقع، تکه‌تکه‌شدن نقشه سایکس-پیکو از خاورمیانه در سال۱۹۱۵، و بعد از آن هم اعلام خلافت سنی از سوی داعش حکایت از بازگشت واحدهای سیاسی‌ای دارد بسیار بزرگ‌تر از ملت-دولت‌های فعلی؛ واحدهای سیاسی که به تعاریف رقیب از کیستی «ما» متکی هستند. مساله شکل‌گیری تفاوت برای معاصر در رون دولت‌ها مساله‌ای محوری می‌ماند. شلومو سند، مورخ اسرائیلی، از هویت یهودی خود تبری جسته تا توجه همگان را به این نکته جلب کند که تنها راه رسیدن به شهروندی کامل در اسرائیل برخورداری از امتیاز یهودی‌بودن است. لیکن انتخاب شخصی او نمی‌تواند بر روال‌های اسرائیل که او را بنا به پاسپورتش اسرائیلی می‌داند اثر بگذارد؛ پاسپورتی که ملاک نهایی هویت فردی است. در پس مساله حقوق سیاسی، مساله حقوق فرهنگی نهفته است، مساله لزوم به‌رسمیت‌شناختن کردارها و باورهای اقلیت فرهنگی در درون مرزهای دولت-ملت‌ها.

## زندگی روزمره دیگر کلی همگن نیست

**جواد لگزیان**

به‌مانند چشم‌انداز پست‌مدرن، صرفاً بازتاب تصاویر و ایزه‌های برکنده از متن و زمینه می‌شود که ویژگی پست‌مدرنیته است.

در فصل‌سوم خواهیم دید که چگونه تنی چند از نویسندگان، در تلاش برای اشتی‌دادن تفسیرهای غیرضایت‌بخش از فرهنگ و زندگی روزمره که در نظریه ساخت‌گرا و پست‌مدرن ارایه می‌شود، برنامه جدیدی برای نظریه فرهنگی در پیش گرفته‌اند. در این تلاش که آن را «چرخش فرهنگی» می‌نامند، زندگی روزمره فرآیندی پویا و تعاملی ترسیم می‌شود که بر مدار کاربرد خلاقانه رسانه‌ها و محصولات مصرفی از سوی افراد برای برساختن هویت‌ها و پروژه‌های سبک زندگی می‌گردد، هویت و پروژه‌هایی که به‌صورت تأملی مفصل‌بندی می‌شوند. یاره دوم این کتاب به بررسی تأثیر «چرخش فرهنگی» بر رهیافت‌های نظری و تجربی در فهم فرهنگ و زندگی روزمره جامعه معاصر پرداخته است. فصل چهارم به ملاحظه تأثیر رسانه‌ها و شکل‌های «نوین» رسانه‌ها بر کردوکارهای فرهنگی اختصاص دارد که زندگی روزمره معاصر را تعریف می‌کنند. در این فصل با استفاده از مفهوم «مخاطب فعال» نزد نظریه‌پردازانی مانند مورلی و فیسک، بحث از فرض اساسی و مقدماتی این نظریه‌پردازان آغاز می‌شود. براساس آرای آنان، مخاطبان رسانه‌ها عروسک‌های فرهنگی نیستند، بلکه عاملان فعالی هستند که تصاویر و متون برگرفته از رسانه‌ها را به‌صورت تأملی تصاحب می‌کنند و معناهای تازه‌ای در آن‌ها درج می‌کنند. این فصل با بررسی اهمیت برنامه‌های تلویزیونی عامه‌پسند، مانند سریال‌های خانوادگی و مسابقه‌ها



**فرهنگ و زندگی روزمره**

**اندی بنت**

**ترجمه: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان**

**ناشر: اختران**

**نوبت چاپ: ۱۳۹۳**

**قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان**

آغاز می‌شود و نشان می‌دهد چگونه این برنامه‌ها هم از تجربه‌های زندگی روزمره مخاطبان استفاده می‌کنند و هم بر آن تأثیر می‌گذارند. در ادامه، به ملاحظه شکل‌های گوناگون رسانه‌های چاپی، از جمله مجله‌های زنان و مردان، پرداخته و باز هم نشان می‌دهد که این رسانه‌های چاپی نیز، به‌شبهه مختص خویش، منابعی برای افراد فراهم می‌آورد تا هویت‌های خویش و کاروار زندگی روزمره را ترسیم کنند. در بخش پایانی این فصل تأثیر فرهنگی اینترنت بر زندگی روزمره بررسی می‌شود، مخصوصاً به این مساله که چگونه سهولت دسترسی به اینترنت موجب پیدایش شکل‌های جدید ارتباطات فراملی و فرازمانی بین افرادی می‌شود که علایق مشترکی به فعالیت‌های گوناگون دارند، از موسیقی و ورزش گرفته تا مسایل سیاسی.

در فصل پنجم درباره معنا و اهمیت مد در زندگی روزمره بحث می‌شود. در آغاز، کار پیشگامانه زیمل و ویلن بررسی شده و خواهیم دید چگونه درک آنان از مد به‌عنوان منبع منزلت اجتماعی، الهام‌بخش تفسیرهای متعددی از مصرف مد و نقش آن در برساختن هویت‌های اجتماعی شده است. در این فصل نشان داده می‌شود، مد نقش مهمی در سیاست‌های هویتی افراد

### اندیشه

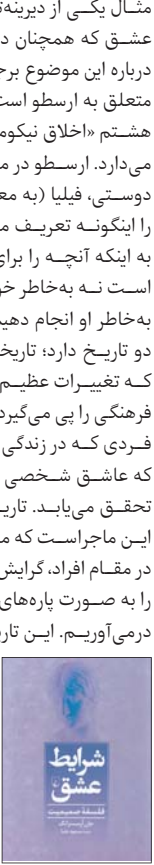
# «ما»یی که نولیرالیسم از آن دم می‌زند دقیقاً کیست؟

کسر بودجه دارند و در شرف نابودی‌اند ولی سپردن خدمات درمانی به نهادهای خصوصی روندی روبه‌رشد دارد. با این همه، نظام «مدارس عمومی» مانند دژی خصوصی با امتیازات ویژه همچنان پایرجاست و هنوز بیش از حد نیاز متخصصان مالی و وکیل و سیاستمدار وست‌مینیستری پرورش می‌دهد. درحالی‌که شواهد بیشتر ابعاد کامل نابرابری اجتماعی در بریتانیا را آشکار می‌کند، «عموم» مقصر این نابرابری شناخته می‌شوند: «ما» مهاجران غیرقانونی، مفت‌خوران، کلاهبرداران و افرادادی عاطل و باطل به حساب می‌آییم. قربانیان ورشکستگی بانک‌ها و سوءمدیریت مالی مقصر افزایش بودجه شناخته می‌شوند، نه کسانی که نظام را می‌چاپند و دفتر و دستک‌های مالی را دستکاری می‌کنند و از تغییردادن نظام‌های مالیاتی ضعیف سر باز می‌زنند. در یکی از مقالات اخیر گاردین ادعای وزیر فعلی رفاه را می‌خوانیم که می‌گوید ظهور بانک‌های غذا به آن خاطر بوده که «مردم غذای مجانی دوست دارند» حال آنکه نمی‌گویند بنابر گزارش‌ها کدام نیاز واقعی در جامعه موجب ظهور این پدیده شده است. به‌رغم کثرت گزارش‌های حاکی از سود اقتصادی خالصی که از قبل مهاجران به جیب بریتانیا می‌رود (بگذریم از سودهای محتمل دیگری تمام احزاب سیاسی اصرار دارند که بیشترین نگرانی در مورد مهاجران از جانب «عموم» است، انگار که مهاجران در زمره این «عموم» نیستند. هر چه می‌گذرد تاوان بی‌صلاحیتی، غرور و ریاکاری بیشتر بر دوش مطرودان و به حاشیه‌رانده‌شدگان می‌افتد و این فقرأ هستند که مسوول فقر خویش شمرده می‌شوند. به‌واقع حکومت می‌خواهد با شعیده‌بازی‌های کلامی انگاره‌های لیبرالی مسوولیت فردی را احیا کند و در ضمن انگاره‌های دولت لیبرال دلسوز را کنار بزند. در بحث‌های رفراendum اسکاتلند من هیچ تجلیلی از تنوع مردم بریتانیا ندیدم و احساس می‌کنم نباید بگذاریم کامرون، کثرت‌گرایی فرهنگی را از بیخ‌وین بزند، باوجود تمام چالش‌ها و دشواری‌های آن. نه تعریف‌های حزب محافظه‌کار (توری) و نه تعریف‌های حزب استقلال (یوکیپ) از «عموم» هیچ‌یک نمی‌توانند تعریف غالب شود، برعکس ما «عموم» می‌توانیم در برابر تخریب خدمات عمومی خویش مقاومت کنیم. هم‌صدا با آلن بدیدو، باید گفت «ما مردم» را باید روبه‌جلو نوشت، مدیو همبستگی و عمل سیاسی و با زبانی که از دست سیاستمداران غیرلیبرال و کارشناسان ماسمتالی سیاسی آنها نجات یافته است.

**«استاد دانشکده مطالعات شرق‌شناسی وآفریقاشناسی دانشگاه لندن و رییس انجمن بین‌المللی تحقیقات ارتباطی Open Democracy:منح**

**همه تعاریف عشق**

تلاش برای تعریف عشق همواره تلاشی شکست‌خورده است. از تعبیر رامتیک: «عشق بال‌دراوردن روح است» تا تعریف بدبینانه: «عشق خواب‌وخیال بیهوده و نوعی توهم است» تا تعریف خوشبینانه: «عشق حلال بزرگ‌ترین مشکلات زندگی است» تا تعریف دلسردکننده: «عشق عبارت است از دوستی به‌علاوه رابطه جنسی». ویتگنشتاین برای تعریف کلمه «بازی» که آن نیز دربرگیرنده معانی متضادی از بازی بچه‌ها تا بازی رقابتی و بازی یک‌نفره است از «شباهت خانوادگی» این تعاریف نام می‌برد؛ تعریف‌هایی که شبیه فرزندان خانواده، هرکدام شباهتی به مادر دارند اما در ظاهر با هم تفاوت دارند. در طول تاریخ متفکران تعریف‌های بسیار متفاوتی برای عشق قایل شده‌اند. برای مثال یکی از دیرینه‌ترین تعاریف عشق که همچنان در قلب تفکر درباره این موضوع برجا مانده است متعلق به ارسطو است که در کتاب هشتم «اخلاق نیکوماخوس» بیان می‌دارد. ارسطو در مقام بحثی از دوستی، فیلیا (به معنای دوستی) را اینگونه تعریف می‌کند: «میل به اینکه آنچه را برای دیگری خیر است نه به‌خاطر خودمان، بلکه به‌خاطر او انجام دهیم.» این عشق دو تاریخ دارد؛ تاریخی عمومی که تغییرات عظیم حال‌وهوای فرهنگی را پی می‌گیرد و نیز تاریخی فردی که در زندگی هر شخصی که عاشق شخصی دیگری می‌شود تحقق می‌یابد. تاریخ دوم تاریخ این ماجراست که ما به چه نحو در مقام افراد، گرایش‌های موروثی را به صورت پاره‌های بالفعل رفتار درمی‌آوریم. این تاریخ حکایت



**شرایط عشق**

**جان آرمسترانگ**

**مترجم: مسعود علیا**

**ناشر: ققنوس**

**نوبت چاپ: ۱۳۹۳**

**قیمت: ۹۵۰۰ تومان**

می‌کند که چگونه حمل‌هایی برای ابراز عشق خود در گفتار و کردار پیدا می‌کنیم یا در یافتن آنها ناکام می‌مانیم. فروید معتقد بود که غایت زندگی و نشانه سلامت روانی قابلیت کارکردن و عشق‌ورزیدن است. اما او عین‌حالت عشق را نوعی انتقال می‌دانست. به آن معنا که ما به افرادی که با آنها

روبه‌رو می‌شویم خصوصاتی نسبت می‌دهیم که واقعا از آن خود آنها نیست بلکه سرچشمه خود روابطی دارد که خودمان بیشتر داشته‌ایم. او همچنین بدل‌شدن ناگهانی یا تدریجی عشق به نفرت را با استفاده از مفهوم «عقده ادیپ» توضیح می‌دهد. در ضمیر پسرچه که نسبت به مادرش دل‌بستگی شدیدی دارد این باور شکل می‌گیرد که پدرش رقیب او در عشقی است که نسبت به مادر محبوبش دارد. فروید بر آن است که این باور پیامدهای بسیاری دارد. از آن جمله حالت دوگانگی احساسی است که در این هنگام می‌شود که آری آن را «نگاه خیره گردشگر» می‌نامد. و سرانجام، فصل هشتم به بررسی رواج و گسترش فراینده پاسدرفهنگ که در زندگی روزمره معاصر می‌پردازد. همان‌طور که در این فصل خواهیم دید، ماهیت تکنوکراتیک روزافزون جامعه مدرن اخیر و همراه با آن، اتکای فراینده به معرفت علمی و عقلانی، شک‌تردیده‌ها و بی‌اعتمادی‌های درخور توجهی نسبت به تأثیر چنین پیشرفت‌هایی بر محیط‌زیست و سلامتی و رفاه شخصی پدید آورده است. این تردیدها و بی‌اعتمادی‌ها به‌صورت انواع گوناگون‌گرایش‌ها و سبک زندگی‌های پادفرهنگی جلوه‌گر شده‌است که هر یک به‌شبهه خاص خود درپی واژگون‌ساختن تأکید و توجه مدرنیته پسین به پیشرفت فنی بوده‌اند. این واژگونی، از یک جهت، از طریق احیای علاقه به مسایل و مباحث مورد نظر نهضت‌های سبز و بازگشت به زمین حاصل می‌شود. بیگانگی و ترسی که بسیاری از افراد در دنیای تکنولوژی‌زده امروز تجربه می‌کنند موجب علاقه فراینده آنان به حوزه‌هایی از معرفت شده که فراتر از تبیین‌های علمی و عقلانی است.

**تازه‌ها**

**تازه‌های نشر کتاب پارسه**

**نگاهی به بزرگان اندیشه وهنر**

نشر کتاب پارسه مجموعه‌ای تحت‌عنوان «بزرگان اندیشه وهنر» منتشر کرده است. این مجموعه، ترجمه‌ای است از کتاب‌های انتشارات رولت آلمان که با عنوان تک‌نگارهای **rororo** منتشر شده و مورد توجه دانشجویان، پژوهشگران و مخاطبان عام قرار گرفته. مجموعه‌ای که به دبیری سعید فیروزآبادی ترجمه شده و نویسندگان آنها شارحان زندگی و آثار اندیشمندان وهنرمندان بزرگ جهان هستند. هدف از انتشار این مجموعه آشنایی هرچه بیشتر با زندگی و آثار کسانی است که بر اندیشه جهان امروز تأثیر گذاشته‌اند. این مجموعه را به‌عنوان زندگی‌نامه‌های مصور می‌شناسند که نه‌تنها دانش و شناختی از بزرگان اندیشه وهنر جهان به‌دست می‌دهد، بلکه می‌تواند مدخل و انگیزه‌ای برای خواننده و مواجهه با آثار بزرگان فراهم آورد و فهم آثار ایشان را آسان کند.

**اریش فروم وطرح جامعه نو**

کتاب «اریش فروم» نهمین کتاب از مجموعه «بزرگان اندیشه وهنر» است. دو پدیده تأثیرگذار در زندگی فروم وجود دارد که باعث شده توجه افرادی را که با آثار او آشنا هستند به خود جلب کند؛ نخست پیوستگی و ثبات اندیشه و گفتار او که در همه آثارش بازتاب یافته و در طول ۶۰ سال، تناقض‌های جدی یا حتی تغییر موضع در آنها دیده نمی‌شود.

دوم، همگرایی اندیشه و آثار او با شیوه زندگی‌اش و همگرایی بین باورها و منش اوست که کنجکاری را برمی‌انگیزد و انسان را به جست‌وجوی علت آن وامی‌دارد. اریش فروم، با افزایش سن، بیشتر از نیاکان یهودی‌اش و آموزه‌های‌شان، شیوه زندگی‌شان، گفته‌ها و نیز از تجربه‌های مشترک ایشان تأثیر گرفته است. در این کتاب براساس گفته‌ها و یادداشت‌های به‌جامانده از فروم و نزدیکانش، زندگی او به‌عنوان یک فیلسوف، متفکر و روانکاو معرفی شده است. نویسنده کتاب در مقام یک پژوهشگر، روزبه‌روز و سال‌به‌سال زندگی فروم را دنبال کرده و حضور او را در عرصه‌های مختلف فردی، اجتماعی و حرفه‌ای به ثبت رسانده است.

در این کتاب تجربیات نیاکان فروم و خاندان و دوران کودکی در کنار دوران نوجوانی و آموزگاران یهودی او بررسی شده. همچنین با مرور سال‌های پیش از مهاجرت او به فلسطین و آمریکا که تجربیات روانکاوانه او را شکل داد، دوره مهمی از زندگی‌اش بررسی شده است که پژوهش‌های او را درباره ناخودآگاه جامعه، روان‌شناسی اجتماعی- تحلیلی و منش‌شناسی شامل می‌شود و نویسنده در این کتاب می‌کوشد دورانی را که فروم به بازنگری در نظریه‌های روانکاو و روایی جامعه نو پرداخته، معرفی کند.



**اریش فروم**

**راینر فونک**

**ترجمه: مریم ایزدیان**

**قیمت: ۷۰۰۰ تومان**

**ویتگنشتاین و کج فهمی یوزیتویستی**

کتاب «ویتگنشتاین» دهمین کتاب از مجموعه «بزرگان اندیشه وهنر» است. کمتر نامی در تاریخ فلسفه به اندازه نام او شگفتی آفرین و تناقض‌برانگیز بوده است. اغلب مردم عادی او را نمی‌شناسند و بسیاری از فلسفه‌دانان او را فیلسوفی تمام و کمال و مجسمه فلسفه می‌خوانند.

ویتگنشتاین از جمله فیلسوفان قرن بیستم است که بیش از دیگران به او استاد شده و محل رجوع بوده است. در حالی‌که او در سراسر زندگی‌اش جز چند ده صفحه چیزی منتشر نکرده است. در این کتاب از یادداشت‌های روزانه او در زمان جنگ جهانی اول، گفته‌ها و یادداشت‌های زندگینامه‌نویس ویتگنشتاین، مواضع مذهبی و انزواجویانه‌اش، شرایط او در خانواده و دوران خدمت سربازی و غریه نکتته‌های بسیاری آمده که به خوانندگان در درک سیر تحول اندیشه و شخصیت او کمک می‌کند. در جایی از کتاب به علاقه ویتگنشتاین به کتاب «شرح مختصر اناجیل» اثر توستوی اشاره شده و به‌تقل از راسل آمده است که او همیشه آن کتاب را می‌خواند و همراهش داشت. و خود نیز در این‌باره گفته بود که این کتاب زندگی مرا نجات داد.

بسیاری می‌نویسم که می‌گویند، ویتگنشتاین تنها فیلسوفی است که توانسته نه‌تنها یک، بلکه دو نحله فلسفی را پایه‌گذاری کند، یکی را با انتشار «تراکتاتوس» بعد از جنگ جهانی‌اول و دیگری را با «پژوهش‌های فلسفی» که بعد از مرگش و در دهه ۵۰ منتشر شد. از این‌رو، شکی در این نیست که ویتگنشتاین پایه‌گذار دو نحله مهم قرن ماست: یوزیتویسم منطقی و آنچه مکتب تحلیلی زبان می‌نامند. هر دو گرایش بر منازعات علمی گذشته سایه انداخته و نقشی تعیین‌کننده به‌خصوص در قلمرو زبانی آنگلاساکسون و بعدها در عرصه فلسفی قاره اروپا داشته‌اند و هر دو از آن ویتگنشتاین بوده‌اند.

وقتی ویتگنشتاین را بنیانگذار هر دو این نحله‌های فلسفی قلمداد می‌کنیم و با این رویکرد با اندیشه‌های او مواجه می‌شویم، درمی‌یابیم که فرض ما با تصور ویتگنشتاین از خودش و واقع‌ای او همخوان نیست. و هرچه زوایای بیشتری از زندگی و شخصیت ویتگنشتاین بررسی و آشکار می‌شود، به‌خصوص منظر یوزیتویستی فلسفه ویتگنشتاین، بیشتر زیر سوال می‌رود.

خواندن روایت زندگی پرمراجای ویتگنشتاین بی‌درنگ نشان خواهد داد که داورى شتابزده افکارش و محدودکردن‌شان به دیدگاه‌های یوزیتویستی-منطقی با صفا مقولات تخصصی تحلیل زبانی یکسره اشتباه است. تأثیر او بر زمینه‌هایی متفاوت همچون جامعه‌شناسی، روانکاو، تعلیم و تربیت، اخلاق و فلسفه دین در پس این میان آشکار است، اما مهم دیدگاهی است که می‌گوید، در پس این تأثیرات کوششی برای نیل به ناگفتنی پنهان شده است، تلاشی که بیانگر خواست انسان‌هایی از تمام فرهنگ‌هاست و نگرشى ژرف از سرشت انسان‌ها به دست می‌دهد.

**ویتگنشتاین**

**کورت ورتزل، آدولف هوبنر**

**ترجمه: محمد هستی**

**قیمت: ۷۵۰۰ تومان**

